

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ: اسکات ریتر*
برگردان: شهرام فلاح
۰۸ جنوری ۲۰۲۴

ونزوئلا-گویان: سیاست منطقه‌ای یا شطرنج ژئوپولیتیک؟



ونزوئلا مهم‌ترین شریک روسیه در امریکای لاتین است. این دو کشور دارای روابط تجاری و نظامی مستحکمی هستند و دیدگاه ژئوپولیتیک مشترکی از جهان دارند. از سال ۲۰۱۹، زمانی که ایالات متحده شروع به حمایت از خوان گوایدو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا، در تلاش برای برکناری مادورو از قدرت کرد، روسیه به طور مداوم از ونزوئلا حمایت سیاسی و مادی کرده است. از این منظر، تشدید تنش و ونزوئلا در اسکیبو را می‌توان بخشی از تقابل کلی توسط کشورهای فاهم کرد که نظم بین‌المللی مبتنی بر قاعده به رهبری ایالات متحده را به نبرد فراخوانده اند.

یادداشت سردبیر:

انتشار مطلب حاضر به معنای تأیید دیدگاه‌های تحلیلی نویسنده نیست. اسکات ریتر البته یکی از شاخص‌ترین و انتقادی‌ترین چهره‌ها در میان صاحب‌نظران غربی است. به ویژه در برخورد به فاجعه فلسطین وی را باید یکی از جسورترین صاحب‌نظران قلمداد نمود که از تمجید اسرائیل دوران اسحاق شامیر به دیدگاه امروزین خویش رسیده است که در آن حق موجودیت اسرائیل را انکار نموده و از تشکیل دولت فلسطینی «از رود تا بحر» دفاع می‌کند.

با این حال به نظر می‌رسد که ریتر در ارزیابی از واقعه تنش بین ونزوئلا و گویان یک جنبه مهم تحولات کنونی جهانی را از نظر دور نگه می‌دارد. حقایق تاریخی ممکن است در این مورد معین کاملاً به نفع ونزوئلا باشند اما مسأله

در چنین مواردی نه آن حقایق تاریخی، بلکه لحظه تاریخی وقوع چنین اتفاقاتی است. ریتز از دیدگاههای سطحی ژورنالیستی فراتر می‌رود و ادعای مالکیت ونزولا بر منطقه اسکیبو را هم به زمینه‌های تاریخی معینی نسبت می‌دهد و هم ابعاد اقتصادی آن را در نظر می‌گیرد. اما او تا جایی که به ابعاد جهانی-تاریخی واقعه نزدیک می‌شود نهایتاً به سند سال ۲۰۱۹ بنیاد رند می‌رسد که ایجاد اختلال در توازن روسیه را هدف خود قرار داده بود. ریتز به یک واقعیت بسیار ساده نمی‌پردازد که این فقط ونزولا نیست که چنین ادعاهایی را به میان کشیده است. در گوشه‌های مختلف جهان و از سوی دولتهای مختلفی چنین ادعاهایی نسبت به خاک و منابع کشورهای همسایه طرح شده‌اند و بسیاری از آنان حتی به نزاع‌های بخشی بسیار بزرگ نیز منجر شده‌اند. کافی است به تنازعات بین ترکیه و کشورهای همسایه در منطقه ما توجه شود و یا حتی در خود امریکای لاتین به این واقعیت توجه شود که یکی از شعارهای تبلیغاتی خاویر میلی رئیس‌جمهور لیبرتارین ارجنتاین در جریان مبارزات انتخاباتی پس گرفتن جزایر مالویناس از انگلستان بود. و هیچ کدام از این وقایع را نه با سند رند می‌توان توضیح داد و نه با وضعیت ویژه این یا آن رئیس‌جمهور. نارسائی‌های مطلب اما نافی اطلاعات مفید آن نیست.

ونزولا با تشدید ادعای مالکیت خود بر منطقه اسکیبوی گویان، منطقه کارائیب را در وضعیتی ناآرام قرار داده است، تا جایی که بسیاری از ناظران از احتمال جنگ بین دو کشور صحبت می‌کنند که می‌تواند با دخالت احتمالی ایالات متحده، بریتانیا و برازیل تشدید شود. از منظر امنیت انرژی، پیامدهای ژئوپولیتیک این امر همچون سرنوشت میلیاردها بشکه ذخایر نفت را نمی‌توان دست‌کم گرفت. درک ریشه‌های این بحران جهت دستیابی به یک راه‌حل بالقوه بسیار مهم است. برخی از ناظران به تاریخ، و برخی دیگر به سیاست داخلی ونزولا اشاره می‌کنند. عامل سوم- فاصله گرفتن جهان از نظم تحت رهبری ایالات متحده- نیز باید لحاظ شود.

اخیراً نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزولا، بی‌هیچ مقدمه‌ای، مناقشه چند صد ساله با همسایه خود گویان را بر سر مالکیت منطقه اسکیبو، از سر گرفت؛ منطقه‌ای به مساحت ۱۵۹۵۰۰ کیلومتر مربع و سرشار از نفت و مواد معدنی که از سال ۱۸۶۴ یعنی زمانی که مستعمره بریتانیا بود، توسط گویان اداره می‌شود. دولت ونزولا در ۳ دسامبر، یک هم‌پرسی سراسری برگزار کرد که طی آن از ونزولائی‌ها پرسیده شد که آیا از الحاق اسکیبو به عنوان یک ایالت ونزولا، اعطای شهروندی به ساکنان آن و رد صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در این مناقشه حمایت می‌کنند؟ این هم‌پرسی بلافاصله پس از هفته‌ها مبارزات انتخاباتی مادورو برگزار شد که به طور ناگهانی تصمیم گرفت تا مناقشه اسکیبو را به موضوع اصلی سیاست داخلی تبدیل کند و متعاقباً آن را به یک بحران بین‌المللی بسط دهد. دولت ونزولا ادعا می‌کند که بیش از ۱۰.۵ میلیون شهروند، که کمی بیش از نیمی از ۲۰.۶ میلیون واجدین شرایط رأی را شامل می‌شود، در این انتخابات شرکت کردند، و ۹۸٪ آنان به این قطنامه رأی مثبت دادند.

بلافاصله پس از برگزاری هم‌پرسی، مادورو فوراً به شرکت نفت دولتی جمهوری ونزولا دستور داد تا مجوز استخراج نفت در اسکیبو را صادر کند، این در حالی است که همزمان به شرکت‌های نفتی خارجی که تحت امتیازات صادر شده توسط گویان فعالیت می‌کنند هشدار داد تا عملیات خود را ظرف سه ماه متوقف کنند. عرفان علی، رئیس‌جمهور گویان، با قرار دادن ارتش آن کشور به حالت آمادباش به این اقدامات پاسخ داد و از متحدین و شرکای منطقه‌ای خود خواست که توافقنامه‌های دفاعی را به منظور محافظت از اسکیبو که شامل دو سوم مساحت آن است و ۱۵۰۰۰۰ نفر از جمعیت بیش از ۸۰۰۰۰۰ نفری گویان را در خود جای داده است، فعال کنند. ایالات متحده که بلافاصله اظهار

کرد در این مناقشه از گویان حمایت خواهد کرد، پروازهای شناسائی نظامی را بر فراز منطقه مورد مناقشه آغاز کرد. کشورهای دیگر، از جمله برازیل همسایه آن و بریتانیا، نیز از گویان جانبداری کردند. در تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز این مناقشه، مادورو و علی در ۱۴ دسامبر دیدار کردند، طی آن با یک بیانیه مشترک موافقت شد، طوری که هر دو کشور موافقت کردند تا "تحت هیچ شرایطی به تهدید یا زور علیه یکدیگر متوسل نشوند" و "از تشدید هر گونه جدال یا کشمکش ناشی از هر نوع منازعه بین آن‌ها چه لفظی چه عملی خودداری شود". در این بیانیه هم موضع گویان مبنی بر این‌که این مناقشه باید توسط ICJ حل و فصل شود، و هم بر امتناع ونزوئلا از به رسمیت شناختن صلاحیت ICJ تأکید شد. دو کشور به مذاکرات ادامه خواهند داد، و توافق کرده‌اند تا سه ماه دیگر مجدداً به دیدار یکدیگر بروند تا هر گونه پیشرفتی جهت حل این مناقشه را ارزیابی کنند.

زمینه‌های واقعه

ونزوئلا معتقد است که اسکیبو طی دوران مستعمرات اسپانیایی در درون مرزهای آن واقع شده بود، که با اعلام استقلال ونزوئلا در سال ۱۸۱۱ به پایان رسید. نقشه‌های معاصر ونزوئلا همین دیدگاه را منعکس می‌کنند. در سال ۱۸۴۱، پس از این‌که بریتانیا گویان را از هالند خرید، یک هیأت بریتانیایی اعزام شد تا مرزهای قلمرو اخیراً تصاحب شده را تثبیت کند، {در واقع} مرز غربی گویان را در رود اورینوکو (Orinoco)، تعیین کردند؛ همان جایی که به "خط شومبورک" معروف شد-به نام رابرت هرمان شومبورک (Robert Hermann Schomburgk)، کسی که رهبری هیأت را بر عهده داشت. ونزوئلا ادعای بریتانیا را رد کرد، این امر باعث شد تا تنش بین دو کشور بالا بگیرد تا جایی که کار به داوری بین‌المللی کشید، نتیجه آن در رأی داوری پاریس (Paris Arbitral Award) در سال ۱۸۹۹، اعطای اسکیبو به بریتانیا بود.

ونزوئلا که مجاز نبود از طرف خود نماینده‌ای در این داوری داشته باشد (ایالات متحده به نمایندگی حضور داشت)، تصمیم داوری را رد کرد. در ۱۹۶۲، ونزوئلا موضوع را به سازمان ملل ارجاع داد که منجر به توافق ژنیو شد و در ۱۹۶۶ بریتانیا، ونزوئلا و گویان بریتانیا آن را امضا کردند. ونزوئلا معتقد است که به موجب این توافق {رأی} داوری ۱۸۹۹ باطل می‌شود و طرفین ملزم‌اند به دنبال یک رامحل "عملی، مسالمت‌آمیز و رضایت‌بخش برای این مناقشه باشند".

اما بحث در همین سطح باقی ماند و هیچ یک از طرفین در مذاکرات دو جانبه پیشرفتی حاصل نکردند، تا این‌که در سال ۲۰۱۵، یعنی هنگامی که اکسون موبیل یک میدان بزرگ نفتی را در نزدیکی سواحل اسکیبو کشف کرد. با به میان کشیده شدن میلیاردها بشکه ذخایر نفتی، گویان در ۲۰۱۸ مناقشه ارضی را به دبیر کل سازمان ملل ارجاع داد، او نیز در عوض به منظور حل و فصل مناقشه، آن را روانه ICJ کرد، طبق مفاد توافقنامه ۱۹۶۶ ژنیو، در صورتی که مذاکرات به بن‌بست برسد، {طرفین} موظف‌اند موضوع را به یک "نهاد بین‌المللی مرتبط" ارجاع دهند. در ۲۰۲۰، ICJ موافقت کرد که این موضوع را مورد بررسی خود قرار دهد.

تصمیم ونزوئلا برای برگزاری همه‌پرسی در مورد وضعیت اسکیبو تا حدی به منظور قرار دادن ICJ - که ونزوئلا صلاحیت آن را رد می‌کند- در مقابل عمل انجام شده است. در نتیجه اقدامات ونزوئلا، مذاکرات مستقیم بین ونزوئلا و گویان در راستای خطوط تعیین شده در توافقنامه سال ۱۹۶۶ ژنیو آغاز شده است. از نقطه نظر ونزوئلا، این مذاکرات، هرگونه دخالت ICJ را فاقد موضوعیت می‌کند، به این دلیل ساده که وجود {جریان مذاکرات} با تصور هر گونه بن‌بستی {در این مذاکرات} در تناقض قرار می‌گیرد. علاوه بر این، این واقعیت که ونزوئلا یک همه‌پرسی برگزار

کرد، ماجرا را دچار ابهام بیشتری می‌سازد چرا که ونزوئلا این امر را با استناد به مفهوم پایه‌ی مندرج در منشور سازمان ملل در مورد تعیین سرنوشت انجام داد.

بنابراین اساس مسأله این است که ریشه‌های بحران اسکیبو خیلی عمیق‌تر از آن دسته از تحلیل‌هایی است که بسیاری از ناظران غربی ارائه می‌دهند که بر فرصت‌طلبی سیاسی مادورو برای بازی با کارت ملی‌گرایی به منظور جذب آراء در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی متمرکزاند. نمایش تأثیرگذار ماریا کورینا ماچادو، رهبر اپوزیسیون [علیه ادعاهای دولت در ماجرای اسکیبو]، در انتخابات مقدماتی اخیر اپوزیسیون، توجه ناظران سیاسی را به خود جلب کرده است. اما طرح سؤال "چرا اکنون" به همان اندازه که نیاز مادورو برای ایجاد یک ورشکستگی سیاسی داخلی برای مقابله با چالش اساسی بالقوه ماچادو است، ناشی از پتانسیل صدور حکم ICJ نیز هست.

بعد ژئوپولیتیک

اما بعد دیگری وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در ۲۰۱۹، اتاق فکر اندیشکده Rand Corp ایالات متحده گزارشی تحت عنوان **انبساط فراتر از تحمل و بر هم زدن توازن روسیه (Overextending and Unbalancing Russia)** منتشر کرد که در آن قابلیت "گزینه‌های تحمیل کننده هزینه‌بر" طراحی شد تا با قرار دادن "بارهای سنگین‌تر بر دوش روسیه که سنگین‌تر از مسؤلیت‌های قرار گرفته بر دوش امریکا برای انجام همان امور باشد، انبساط بیش از توانی بر آن تحمیل شده و از توازن خارج شود". برخی از ناظران ادعا می‌کنند که رد و نشان بسیاری از آنچه که در جهان امروز اتفاق می‌افتد، از اوکراین گرفته تا خاورمیانه، افریقا و اقیانوس آرام، را می‌توان در سیاست‌هایی که هدف قرار دادن "گزینه‌های تحمیل کننده هزینه‌بر" پیشنهاد شده توسط رند را دنبال می‌کنند و در واکنش کشورهایی معین در مقابل این سیاستها مشاهده کرد.

ونزوئلا مهم‌ترین شریک روسیه در امریکای لاتین است. این دو کشور دارای روابط تجاری و نظامی مستحکمی هستند و دیدگاه ژئوپولیتیک مشترکی از جهان دارند. از سال ۲۰۱۹، زمانی که ایالات متحده شروع به حمایت از خوان گوایدو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا، در تلاش برای برکناری مادورو از قدرت کرد، روسیه به طور مداوم از ونزوئلا حمایت سیاسی و مادی کرده است.

از این منظر، تشدید تشنج ونزوئلا در اسکیبو را می‌توان بخشی از تقابل کلی توسط کشورهای فهم کرد که نظم بین‌المللی مبتنی بر قاعده به رهبری ایالات متحده را به نبرد فرا می‌خواهند. با انجام این کار، آن‌ها قصد دارند ورق را برگردانند و بار سنگین‌تری را بر دوش ایالات متحده و متحدانش تحمیل کنند. این یک توافق عمدی یا منسجم از سوی کشورهای مخالف واشنگتن و متحدانش نیست بلکه یک واکنش طبیعی به سیاست‌های ایالات متحده است. به این ترتیب، جهان می‌تواند انتظار بحران‌های بیشتری از نوع اسکیبو را داشته باشد زیرا ایالات متحده تلاش می‌کند تا همگام با جهانی حرکت کند که به طور فزاینده‌ای ادامه نظم تحت رهبری آن را به نبرد فرا می‌خواند.

<https://www.energyintel.com/0000018c-9183-de4b-a5dc-93c3d84f0000>

* - اسکات ریتر یک افسر اطلاعاتی سابق تفنگداران بحری ایالات متحده است که دوره خدمت او در طول یک کار حرفه‌ای بیش از ۲۰ سال شامل تورهای مأموریت در اتحاد جماهیر شوروی سابق برای اجرای توافقنامه‌های کنترل تسلیحات، خدمت به عنوان پرسنل جنرال نورمن شوارتسکف ایالات متحده در جریان جنگ خلیج فارس و سپس به عنوان بازرس ارشد تسلیحات سازمان ملل در عراق طی سال‌های ۱۹۹۱-۹۸ است.